

## رؤیای نافرجام صلح:

چرا توافق احتمالی میان گروه طالبان و امریکا منجر به صلح نمی‌گردد؟



مردم بی‌دفاع افغانستان از چهل سال بدینسو از تجاوز قشون سرخ گرفته تا جنگ‌های داخلی و بالاخره اشغال افغانستان توسط امریکا و ناتو، قربانی اصلی جنگ‌های خانمان‌سوز، نفاق و ناامنی بوده‌اند. تا جائی‌که پس از 11 سپتامبر 2001م، امریکا و هم‌پیمانان ناتو اش زیر عنوان "مبارزه با تروریسم" تا آخرین سرحد جنایات خود را علیه افغانان روا داشته‌اند. امریکا در راه کشتار مسلمانان افغانستان و تحکیم نظام دست‌نشانده اش براساس ارزیابی مجله فوربس بیش از 1.07 تریلیون دالر را مصرف نموده‌است. همچنان برپایه آمار پنتاگون، امریکا سالانه 45 میلیارد دالر را برای پیشبرد جنگ در افغانستان مصرف می‌کند؛ که کمترین رقم نسبت به سال‌های قبل می‌باشد.

ازین‌که امریکا به شدت با بحران‌های داخلی (ایالتی و درون سازمانی) مواجه گردیده‌است و نیز براساس گزارش اخیر سی‌ان‌ان، امریکا مقروض‌ترین دولت در سال 2019 در جهان شناخته شده‌است که میزان وام آن به 22 تریلیون دالر رسیده‌است و این رقم در حال افزایش نیز می‌باشد.

از طرف دیگر، امریکا پس از 18 سال جنگ با طالبان به این نتیجه رسیده‌است که از راه نظامی نمی‌تواند برنده میدان باشد، و گروه طالبان را در جنگ مغلوب سازند. بناء یکی از عمده‌ترین دلایلی که امریکا به صلح با طالبان رو آورده همین مورد می‌باشد تا از طریق گفت‌وگوهای صلح به

هدفی دست یابد که توسط رویکردهای نظامی دست نیافته بود. علاوه بر آستانه پروسه صلح، شاهد بوده ایم که امریکا از دو گزینه بالقوه (فشارهای سیاسی و نظامی) بمنظور پایین آوردن طالبان از موقف قبلی شان بطور جدی استفاده نموده است. طوریکه، فشارهای سیاسی علیه طالبان از سوی پاکستان، عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عرب بطور جدی آن ادامه دارد تا طالبان را آماده به مذاکره مستقیم با دولت افغانستان و ذوب شدن در پروسه صلح نمایند. از سوی دیگر، حملات هوایی نیروهای ناتو تحت نام ماموریت حمایت قاطع بالای مراکز و لانه های نظامی گروه طالبان در سراسر افغانستان جریان داشته که عمدتاً چهره های مخالف به پروسه صلح را هدف اصلی این آماج قرار می دهند.

همچنان قرار است دور پنجم مذاکرات میان نماینده گان طالبان، نماینده گان احزاب افغانستان و امریکائیان بتاريخ 25 فبروری 2019 در پایتخت قطر در شهر دوحه برگزار گردد؛ این به آن معنیست که هم جناح طالبان و هم امریکائیان بطور جدی حاضر هستند تا موضوع صلح را یکطرفه بسازند. ولی پرسش اساسی اینجاست که آیا با گرویدن طالبان (احتمالاً اکثریت آنان) به پروسه صلح، جنگ امریکائی در افغانستان خاتمه پیدا خواهد کرد؟

هرگز نه! زیرا اهداف استراتژیکی امریکا ایجاب می کند که جنگ در افغانستان به شکلی از اشکال ادامه داشته باشد تا دلیل حضور نظامی، استخباراتی و سیاسی آن درین سرزمین قابل توجیه باشد. زیرا، اساسی ترین دورنمای امریکا دست یافتن به آسیای میانه، بحیره کسپین و نیز تسلط یافتن بر مناطق محوری اروآسیا می باشد. و امریکا بدون رسیدن به اهداف استراتژیکی خود نمی تواند موقعیت جغرافیایی افغانستان را به این سادگی از دست بدهد.

از همین رو، در بحبوحه گفتگوهای صلح امریکا با طالبان، مقامات نظامی امریکا به تازه گی از وجود ظرفیت بالقوه داعش شاخه خراسان (ISIS-K) خبر می دهند. براساس گزارش سی ان ان، جنرال جوزف وتل، رئیس فرماندهی نیروهای مرکزی ارتش امریکا، به تازه گی اعلام داشته است که: "دولت خود خوانده داعش، شاخه خراسان، منحنی ظرفیت بالقوه در افغانستان عرض اندام نموده که قادر به انجام حملات مستقیم بالای ایالات متحده امریکا می باشد." همچو اظهارات از سوی یک مقام ارشد نظامی امریکائی در چنین مقطع زمانی، کمپاینی پیش از پیش برای یک گروه دیگر منحنی بدیل برای طالبان بمنظور پیشبرد جنگ در افغانستان عنوان می گردد.

به اصطلاح عام می توان گفت که گروه ها چهره عوض می کنند اما سریال بی پایان کشتن و دریدن همچنان پا برجا می ماند. زیرا، با توافق احتمالی صلح، تمام عساکر و فرماندهان گروه طالبان به پروسه صلح امریکائی متوسل نگردید و به جنگ ادامه خواهند داد. بناء، ظرفیت تداوم جنگ در افغانستان وجود دارد زیرا از یک سوء مقامات امریکائی برای ادامه جنگ در حال صحنه سازی می کنند و از سوی دیگر بقایای بی رهبر طالبان مجبور خواهند شد تا تحت چتر یک گروه دیگر و یا یک گروه تازه ظهور به پیکار نظامی خویش یعنی جنگ علیه امریکا و حکومت افغانستان ادامه دهند.

با بررسی و تحلیل پالیسی و استراتژی امریکا در افغانستان به این نتیجه می‌رسیم که جنگ در افغانستان خاتمه پیدا نمی‌کند ولو اگر طالبان وارد پروسه صلح گردند و موقفها و کرسی‌های حکومتی را هم تصاحب کنند؛ چنانکه، با گرویدن گلبدین حکتمیار آب هم از جایش تکان نخورد. ممکن پس از ورود طالبان، برای مطلق زمانی محدودی امنیت نسبی در افغانستان تأمین شود، ولی این به معنی پایان جنگ نیست.

آنچه دردآور است اینست که جنگ امریکائی با تغییر جغرافیای جنگ، لقب و پرچم جنگجویان پیش برده خواهد شد. زیرا، جنگ منجیث موثرترین حربه برای پیشبرد پالیسی‌های امریکا در منطقه به کار انداخته می‌شود. و امکان این نیز می‌رود که درین فصل، بار دوش جنگ بیشتر بر شانه‌های کشورهای منطقه از قبیل پاکستان، هند و روسیه انداخته خواهد شد و یا بالای آنان تحمیل خواهد گردید که به نحوی ماشین جنگی امریکا در افغانستان متحرک ساخته شود.

اما بدانیم صلحی که ابتکار عمل آن بدست امریکا باشد، تداوم همان جنگ چهل ساله بوده و تنها شعارها و گروه‌ها عوض می‌شوند نه استراتژی‌های بزرگ. پس نباید فریب پروسه صلح را خورد.

**مسلم بغلانی**